

دستورالعمل



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش حقوق خصوصی

موضوع:

بررسی تعدیل قضایی وجه التزام در فقه و حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر حبیب‌اله چوپانی

نام دانشجو:

سلمان شیری

شهریورماه ۹۷

تقدیر و تشکر:

با حمد و سپاس الهی و صلوات بر محمد و خاندان پاکش
از استاد راهنما، معترم جناب آقای دکتر حبیب‌الله جوینتر تشکر می‌کنم که با
راهنمایی‌ها، فوئیس، در به بار رسیدن اینجانب نام اینجانب را یاری نمودند،
همچنین از پدر و مادرم و همسر عزیزم و همه عزیزانم که به نوعی در اینجانب راه
اینجانب را کمک نمودند قدر دانم می‌کنم.

فهرست

۱	چکیده
۲	کلیات
۲	۱- بیان مسأله
۳	۲- سؤال‌های پژوهش
۳	۳- فرضیه‌های پژوهش
۴	۴- پیشینه پژوهش
۴	۵- هدف پژوهش
۴	۶- روش پژوهش
۵	۷- سازماندهی پژوهش
۶	فصل اول - مفاهیم و کلیات
۷	گفتار اول - وجه‌التزام
۷	بند اول - تعریف وجه‌التزام
۹	بند دوم - ماهیت وجه‌التزام در حقوق ایران
۱۰	بند سوم - پیشینه تاریخی موضوع
۱۱	گفتار دوم - مفهوم تعدیل و بررسی انواع آن
۱۱	بند اول - مفهوم تعدیل
۱۱	بند دوم - تعدیل قضایی
۱۳	بند سوم - تعدیل قراردادی
۱۴	بند چهارم - تعدیل قانونی
۱۴	بند پنجم - اقسام تعدیل قرارداد
۱۵	فصل دوم - بررسی فقهی و حقوقی وجه‌التزام
۱۶	گفتار اول - وجه‌التزام
۱۶	بند اول - وجه‌التزام در قوانین ایران

بند دوم- ماهیت وجه‌التزام در فقه	۱۷
بندسوم- اختلاف در پرداخت وجه‌التزام	۱۷
بند چهارم- تفسیر اراده طرفین قرارداد	۱۹
بند پنجم- مبانی فقهی وجه‌التزام	۲۰
الف- قاعده تسلیط	۲۱
ب- اصل صحت	۲۲
ج- قاعده شروط(المؤمنون عند شروطهم)	۲۲
د- سیره عقلا	۲۲
بند ششم- تفاوت وجه‌التزام قرارداد و قرض	۲۲
گفتار دوم - وجه‌التزام بانکی	۲۵
بند اول- مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد	۲۶
بند دوم- رویه قضایی در قبال وجه‌التزام	۲۸
فصل سوم- امکان سنجی تعدیل قضایی وجه‌التزام در فقه امامیه و حقوق ایران	۳۳
گفتار اول- مبانی تعدیل	۳۴
بنداول- مبانی تعدیل قرارداد	۳۴
الف- مبانی فرا حقوقی	۳۴
۱- مبانی اقتصادی	۳۴
۲- مبانی فلسفی	۳۵
ب- مبانی قانونی تعدیل	۳۵
بند دوم- تعدیل شرط غیرمتناسب	۳۶
بندسوم- تعدیل اجرای قسمتی از تعهد	۳۷
بندچهارم- شرایط تعدیل	۳۸
گفتار دوم - تعدیل قضایی	۳۹
بنداول-مبانی قانونی تعدیل قضایی	۳۹
بند دوم-مبانی فقهی تعدیل قضایی	۴۰
بند سوم-شرایط تعدیل قضایی	۴۵
گفتار سوم- مبانی تعدیل قضایی قرارداد	۴۶

۴۶.....	۱-اراده ضمنی مشترک.....
۴۷.....	۲- استفاده بلاجهت (دارا شدن ناعادلانه).....
۴۷.....	۳- سوءاستفاده از حق.....
۴۸.....	نتیجه‌گیری.....
۵۰.....	پیشنهاد.....
۵۱.....	منابع.....
۵۵.....	چکیده انگلیسی.....

چکیده:

موضوع وجه‌التزام از جمله موضوعاتی است که به طور اجمالی از سوی استادان حقوق و فقها به آن پرداخته شده است. در برخی قراردادهای طرفین پیشاپیش خسارت حاصل از عدم اجرای تعهدات را در ضمن شرط قراردادی، معین می‌کنند که از این شرط در حقوق ایران به "وجه‌التزام" تعبیر می‌گردد هدف این تحقیق بررسی تعدیل قضایی وجه‌التزام در فقه و حقوق ایران است. بررسی‌ها نشان داده است توافق بر وجه‌التزام و نیز شرایط مطالبه وجه‌التزام، مبتنی بر اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای است و در فقه اسلامی، پرداخت وجه‌التزام عموماً با عسروخرج متعهد توجیه می‌شود و از قواعدی مانند اصل صحت، قاعده شروط و قاعده تسلیط برای تبیین آن استفاده شده است در قوانین مدنی نیز وجه‌التزام پیش‌بینی شده است. موضوع تعدیل قراردادهای نیز به اعتبار وسیله انطباق مفاد آنها با ضرورت‌های اقتصادی و شرایط حادث به سه دسته تعدیل قراردادی، تعدیل قانونی و تعدیل قضایی تقسیم شده است که از هر یک از روش‌های فوق می‌توان نسبت به تعدیل قرارداد اقدام کرد. عموماً شرایط تعدیل قانونی توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است و شرایط تعدیل قضایی در شرایطی مانند غیرقابل پیش‌بینی بودن دگرگونی، دشواری نامتعارف اجراء و دگرگونی اوضاع، توسط قاضی اعمال می‌گردد و همچنین در تعدیل قراردادی، شرط تعدیل وجه‌التزام در قرارداد می‌آید.

واژگان کلیدی: تعدیل قضایی، وجه‌التزام، فقه، حقوق ایران

کلیات

۱- بیان مسأله

وجه‌التزام، مبلغی است که طرفین ضمن عقد شرط می‌نمایند که در صورت تخلف، متخلف آن را به دیگری تأدیه نماید، لذا اصولاً وجه‌التزام مبلغی ثابت می‌باشد. به عنوان مثال در ضمن عقد شرط می‌شود: در قرارداد تحویل یک دستگاه تلویزیون ۴۲ اینچ در موعد معین، اگر طرف از تحویل کالای موردنظر استکاف ورزد ملزم به پرداخت ۲۰۰ هزار تومان وجه‌التزام خواهد بود. در قراردادها معمولاً برای تضمین و تحکیم تعهدات متعاقدين، به صورت شرط در ضمن عقد، مبلغی پیش‌بینی می‌شود تا در صورت تخلف هرکدام از آنان، به عنوان خسارت به طرف مقابل پرداخت شود. این مبلغ را اصطلاحاً «وجه‌التزام» می‌نامند در این‌که آیا وجه‌التزام، کیفر تخلف از انجام تعهد و نوعی مجازات مدنی است که برای متخلف در نظر گرفته شده، یا این مبلغ (وجه‌التزام)، برای جبران خساراتی است که از نقض تعهد به متعهدله وارد می‌شود، جای بحث و تأمل است؛ در برخی از کشورهای اروپایی؛ از جمله فرانسه، چنین شرطی را «شرط کیفری» یا *clause pénale* می‌نامند که از آثار و بقایای حقوق رومی است. در «رُم» قدیم، این شرط، واقعا جنبه کیفر داشته و برای مجازات متخلف در نظر گرفته می‌شد و هیچ ضرورتی نداشت که تناسب و تعادل بین خسارت وارد شده و مبلغ تعیین شده رعایت گردد. رومی‌ها به بدهکاری که بدهی خود را نمی‌پرداخت، به دید مجرم می‌نگریستند و برای او مجازات‌های شدید کیفری در نظر می‌گرفتند.

در ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران مقرر شده است:

اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است محکوم نماید.

هرچند به نظر می‌رسد که این ماده از ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده باشد، لیکن با توجه به این‌که قانونگذار ایران به مبلغ تعیین شده، عنوان «خسارت» داده است، بحث در مورد این‌که آیا می‌تواند کیفر متخلف از انجام تعهد محسوب گردد، منتفی است. فایده‌ای که این شرط برای متعهدله دارد، این است که او را از اثبات اصل خسارت و مقدار و میزان آن معاف می‌کند.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا متعهد می‌تواند با پرداخت وجه‌التزام، خود را از قید اصل تعهد برهاند و از اجرای آن امتناع ورزد؟ به عبارت دیگر، آیا متعهدله می‌تواند به جای مطالبه وجه‌التزام، اجرای اصل تعهد را بخواهد؟

مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی فرانسه، پاسخ به این سؤال، مثبت است؛ قانونگذار فرانسه در این ماده

به طلبکار اجازه داده تا به جای مطالبه کیفر مندرج در قرارداد، اجرای اصل آن را بخواهد. از ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران نیز بر نمی‌آید که متعهدله نتواند اجرای تعهد اصلی را بخواهد و لزوماً خسارت ناشی از عدم اجرای قرارداد را مطالبه کند. این ماده دلالت دارد که اگر طلبکار به جای اجرای اصل تعهد، مطالبه خسارت کند، دادگاه نمی‌تواند متخلف را به کمتر یا بیشتر از آنچه در قرارداد تعیین شده، محکوم کند. بنابراین می‌توان گفت موضوع وجه‌التزام از جمله موضوعاتی است که به طور اجمالی از سوی استادان حقوق و فقها به آن پرداخته شده است لکن از منظری که در این پژوهش به طور مبسوط سعی در بیان و ارائه آن است کمتر مورد توجه بوده لذا نگارش این پایان‌نامه باب تازه‌ای در ایجاد انعطاف در ماده ۲۳۰ قانون مدنی خواهد گشود همانطور که پیداست طبق این ماده، مقنن حاکم را از کم یا زیاد نمودن وجه‌التزام منع کرده است.

امروزه با توجه به کثرت گنجاندن وجه‌التزام در قراردادها و در برخی موارد وجه‌التزام که غیرمنصفانه و غیرعقلانه است به نظر می‌رسد باید راهکاری برای دخالت دادن قضات در افزایش یا کاهش دادن مبلغ وجه‌التزام که طرف قرارداد را از ورود ضرری که فاحش و غیرمنصفانه است حمایت نمود. بر این اساس ابتدائاً باید در پی معیاری جهت تشخیص غیرمنصفانه و همچنین غیرعقلانه بودن مبلغ وجه‌التزام بود که مبنا و چهارچوب ما را در این پژوهش مشخص نماید. این پژوهش درصدد پاسخگویی به سؤالات و ابهامات موجود درباره‌ی وجه‌التزام است.

۲-سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا گنجاندن وجه‌التزام در قرارداد صحیح و نافذ است؟
- ۲- آیا مبلغ وجه‌التزام به هر اندازه‌ای که باشد در صورت درخواست طرف دیگر باید پرداخت شود؟
- ۳- آیا قاضی دادگاه اختیار کم یا زیاد کردن وجه‌التزام را دارد؟
- ۴- قاضی دادگاه تا چه اندازه‌ای می‌تواند مبلغ وجه‌التزام را کم یا زیاد کند؟

۳-فرضیه‌های پژوهش

- ۱- گنجاندن وجه‌التزام در قراردادها صحیح است.
- ۲- مبلغ مقرر در قرارداد در حدی که غیرمتعارف و گزاف نباشد قابل پرداخت است.
- ۳- قاضی می‌تواند وجه‌التزام غیرمنصفانه و غیرعقلانه را حسب مورد کم یا زیاد کند.
- ۴- دادرس می‌تواند تا جایی که مبلغ وجه‌التزام عرفاً جبران خسارت نماید آن را کاهش یا افزایش دهد.

۴- پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع وجه‌التزام تألیفات و تحقیقاتی توسط حقوقدانان و فقهای عظام صورت گرفته لکن از منظری که بتوان تعدیل آن را در حقوق ایران وجهی قانونی بخشید تألیف و تحقیق خاص در این مورد وجود ندارد. لکن آثاری وجود دارد که از نظر ماهوی تشابه اندکی با موضوع پژوهش پیش رو دارا می‌باشد از جمله:

۱- آقای قائم مروتزاده در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان تعدیل قضایی وجه‌التزام در حقوق ایران و مصر که در سال ۹۴ آورده‌اند: در حقوق مصر قانونگذار مواد خاصی را به بحث تعدیل وجه‌التزام اختصاص داده است بدین صورت که در مواردی قاضی مجاز بوده که شرط جزای مندرج در قرارداد را تخفیف داده و آن را کاهش دهد در برخی موارد نیز امکان افزایش وجه‌التزام پیش‌بینی شده است. ایشان راجع به حقوق ایران نیز قائل به تعدیل وجه‌التزام مندرج در ماده ۲۳۰ ق.م. هستند.

۲- آقای امیرحسین وحیدی مقاله‌ای با عنوان موضوع تعدیل وجه‌التزام در قراردادهای الحاقی که توسط وی در سال ۸۵ منتشر شد در این مقاله نویسنده نظر بر این دارند که از یک سو حفظ ثبات و امنیت قراردادها ایجاب می‌نماید قرارداد در چهارچوب‌های مشخصی منعقد گردد و تبعاً اجرای مفاد آن نیز در همین حدود صورت پذیرد لذا بایستی سیاستی را برگزید که دو مصلحت اساسی را به گونه‌ای جمع کند: دادگاه نتواند آنچه را که خود منصفانه می‌پندارد، جانشین عدالت قراردادی سازد و به خواست مشترک دوطرف بی‌اعتنا بماند و در عین حال، اجرای کامل قرارداد نیز ما را از نتایج دور از انتظار و ناعادلانه‌ی آن غافل نسازد.

۵- هدف پژوهش

هدف این تحقیق شناسایی حق قاضی برای کم یا زیاد کردن (تعدیل) مبلغ وجه‌التزام تعیین شده توسط طرفین در قرارداد و یافتن مکانیزم و معیاری جهت تشخیص وجه‌التزام غیرمنصفانه است.

۶- روش پژوهش

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. بدین معنا که با مطالعه و بررسی کتب و مقالات نگارش یافته توسط اهل فن و فیش‌برداری از مطالب مرتبط با بحث، با استفاده از روش مذکور به توصیف داده‌های موردنظر پرداخته و به سؤالات پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

۷- سازماندهی پژوهش

فصل اول: مفاهیم و کلیات

فصل دوم- بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام

فصل سوم: امکان سنجی تعدیل قضایی وجه التزام در فقه امامیه و حقوق ایران

نتیجه گیری و پیشنهاد

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

در این قسمت واژگانی که در عنوان پایان‌نامه آمده و همچنین برخی از اصطلاحات پرکاربرد مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در این فصل به موضوع وجه‌التزام و تعدیل و انواع آن می‌پردازیم.

گفتار اول - وجه‌التزام

بند اول - تعریف وجه‌التزام

التزام در لغت به معنای همراه بودن، ملازمه‌شدن، به گردن‌گرفتن و ملزم شدن به امری می‌باشد (معین، ۱۳۵۰، ص: ۲۳۵). در اصطلاح نیز التزام (وجه‌التزام) از آن جهت که معمولاً طرفین در حین انعقاد عقد معین می‌کنند و به همراه عقد می‌باشد نزدیک به معنای لغوی آن می‌باشد در تعریف دیگر، وجه‌التزام مبلغی است که متعاقدين در حین انعقاد عقد به موجب توافق بعنوان خسارت (مادی یا معنوی) محتمل‌الوقوع ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر در اجراء و یا اجراء غیرمنطبق پیش‌بینی کرده و بر آن توافق کنند که ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران و ماده ۱۲۲۶ قانون مدنی فرانسه ناظر بر آن است (قربانوند، ۱۳۸۷).

در واقع چنین شرطی سلاحي با دو کارکرد متفاوت برای دو مقطع زمانی مختلف است. در زمان اجرای قرارداد، به عنوان ابزاری برای تضمین اجرای تعهد و تهدید متعهد به ایفاء تعهد عمل می‌کند. اما در زمان نقض قرارداد، برای جبران خسارت ناشی از تخلف و مجازات متعهد متخلف بکار می‌رود. برای وجه‌التزام تعریف متعددی توسط حقوقدانان شده است که در این بخش به آن می‌پردازیم.

زمانی که فردی متعهد به انجام امری می‌گردد، اجرای این پیمان و تعهد از وظایف قانونی، اجتماعی و اخلاقی وی محسوب می‌گردد و در صورت عدم اجرای تعهدات توسط فرد، هر عقل سلیمی حکم به جبران خسارت وارده می‌کند. در برخی قراردادها، طرفین پیشاپیش خسارت حاصل از عدم اجرای تعهدات را در ضمن شرط قراردادی، معین می‌کنند که از این شرط در حقوق ایران به "وجه‌التزام" تعبیر می‌گردد (برزگر، ۱۳۸۴).

منظور از وجه‌التزام این است که هرگاه به علتی بیع قطعی انجام نشد این مبلغ به عنوان جریمه از طرفی که عدم انجام معامله مستند به عمل اوست اخذ و به طرف دیگر تعلق گیرد. به‌منظور جبران خسارتی که از عدم اجراء تعهد یا تأخیر در اجراء تعهد برای متعهدله ایجاد می‌گردد، مبلغی قطعی را طرفین در قرارداد پیش‌بینی می‌نمایند که هرگاه تعهد اجراء نشده و یا تأخیر در اجراء آن صورت گرفت؛ مبلغ پیش‌بینی شده به زیان‌دیده، پرداخت شود. اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که در شرایط حادثی مانند شرایط تورمی یا بحران‌های اقتصادی، آیا می‌توان تعدیلی در پرداخت وجه‌التزام ایجاد کرد؟ در موارد بیشماری دو طرف پیمان

به دلایل تغییر شرایط نیازمند تعدیل قرارداد پیشین خود می‌شوند بحث تعدیل قرارداد زمانیکه تعادل و توازن میان تعهدات متقابل مخدوش شده باشد معنا دارد تغییر در موضوع عقد، منحصر به تعدیل قرارداد نیست بلکه در موارد دیگر نیز دیده می‌شود که تغییر موضوع در قالب‌هایی ماهیتاً متناوب با تعدیل رخ می‌دهد.

برای تعریف مقدماتی وجه‌التزام باید گفت طرفین یک قرارداد می‌توانند قبل از نقض قرارداد میزان خسارت و نحوه جبران خسارت را معین نمایند. این موضوع در ماده ۲۳۰ ق.م به نحو اجمال بیان شده است اما قانونگذار تعریف صریحی از وجه‌التزام ننموده است جعفری لنگرودی در تعریف آن گفته است: مبلغی است که متعاقدين در حین عقد به عنوان میزان خسارت محتمل‌الوقوع ناشی از عدم اجراء یا ناشی از تأخیر در اجراء تعهد پیش‌بینی کرده و مورد توافق قرار می‌دهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶).

در این تعریف به تبعیت از ماده ۲۳۰ ق.م توافق در مورد خسارت را محدود به حین عقد یا ضمن عقد نموده است که قابل انتقاد می‌باشد چراکه ضرورتی ندارد تعیین وجه‌التزام در خود قرارداد باشد و طرفین مدتها پس از انعقاد قرارداد نیز می‌توانند در مورد خسارت عدم اجراء و نقض عهد توافق نمایند که در جای دیگری بیان نموده‌اند. وجه‌التزام مبلغی است که طرفین قرارداد پیش از وقوع خسارت ناشی از عدم اجراء یا تأخیر اجرای آن به موجب توافق معین می‌کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶).

برخی نیز با تعبیر شرط کیفری بیان داشته‌اند:

توافقی است که به موجب آن دوطرف میزان خسارتی را که در صورت عدم اجرای نامشروع قرارداد بطور مقطوع باید پرداخته شود از پیش معین می‌سازند (کاتوزیان، ۱۳۷۴).

تعبیر شرط کیفری که به تبعیت از حقوق اروپایی استعمال شده بیانگر جنبه تضمینی و تنبیهی وجه‌التزام می‌باشد ولیکن تعریف ذکر شده در فوق بیشتر جنبه مقطوع نمودن خسارت را موردنظر قرار داده است.

البته تعاریف دیگری نیز در خصوص وجه‌التزام بیان شده که عبارت‌انداز:

۱- وجه‌التزام را باید ضمانت اجراء، درج جریمه یا شرط کیفری مالی که هر یک از متعاملین یا هر دو آنها در صورت نقض قرارداد می‌گیرند تعریف کرد (پنج‌تنی، ۱۳۹۱).

۲- وجه‌التزام، توافقی است که به موجب آن طرفین میزان خسارتی که در صورت عدم اجرای قرارداد یا ایجاد ضرر باید پرداخت شود را از پیش تعیین می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۵).

۳- هرگاه طرفین عقد توافق کرده باشند که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد یا تأخیر مبلغی بپردازد این شرط را وجه‌التزام گویند (صفایی، ۱۳۸۵).

۴- خسارت توافقی (مبلغی است که هر دوطرف یک قرارداد) که تعهد اصلی آن پرداخت وجه نقد نباشد (در

حین مذاکرات قراردادی خویش به عنوان خسارت قطعی متضرر، ناشی از تخلف طرف مقابل، تعیین کرده و به صورتی که مخالف قانون نباشد در قرارداد درج می‌کنند(عادل، ۱۳۸۰).

وجه‌التزام برخلاف اعتقاد برخی به نظر می‌رسد باتوجه به مبنای مستقیم قانونی و قطعی وجه‌التزام در حقوق ایران، که همان ماده ۲۳۰ قانون مدنی می‌باشد، موضوع وجه‌التزام مبلغی پول است. اگرچه می‌توان برای تخلف از قرارداد، به عنوان خسارت، فعل یا ترک فعلی را شرط کرد و بتوان چنین شرطی را با عنوان شرط کیفری در حقوق نوشته متصور شد، ولی در حقوق ایران اگرچه چنین شرطی به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل صحت نافذ است، عنوان آن چیزی غیر از وجه‌التزام خواهد بود. چراکه وجه‌التزام به نظر می‌رسد یک حقیقت قانونی است که شق اول ماده ۲۳۰ قانون مدنی متضمن تعریف و بیان ماهیت آن در نظام حقوقی ایران است و به همین دلیل بررسی مفردات این ماده معتبر و قابل استناد است و می‌توان گفت قانونگذار نیز درخصوص موضوع شرط وجه‌التزام که مبلغی پول می‌باشد در مقام بیان بوده است. لذا می‌توان وجه‌التزام را اینگونه تعریف نمود: تراضی بر تأدیه وجهی مقطوع، به عنوان خسارت ناشی از تخلف از تعهد، به نحوی که مقدم بر تحقق تخلف و بدون توسل به تشریفات خاص قضایی باشد(حاتمی، صادقی، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه در قانون تعریفی از وجه‌التزام وجود ندارد به عبارتی دیگر چون حقیقت قانونیه در مورد این اصطلاح وجود ندارد لذا برای تعریف وجه‌التزام باید به عرف رجوع نمود. در عرف وجه‌التزام به معنای تأدیه وجهی است که در صورت عملی نشدن قرارداد و تخلف یکی از طرفین بدون تشریفات خاصی پرداخت می‌کند. در این زمینه می‌توان عملکرد بانکها در صورت تأخیر در پرداخت اقساط توسط مشتری را مثال زد که بانک بدون تشریفات قضایی وجه‌التزام را از مشتری دریافت می‌کند.

بند دوم- ماهیت وجه‌التزام در حقوق ایران

باتوجه به تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان و ماده ۲۳۰ قانون مدنی به عنوان مبنای متقن قانونی وجه‌التزام و نظر به تفاوت‌های اساسی تأسیس حقوقی مزبور با سایر مفاهیم مشابه، می‌توان ماهیت وجه‌التزام را، به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرای قراردادهای، علاوه بر قراردادی و تبعی بودن از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد و به نظر می‌رسد وجه‌التزام ماهیت جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات در قراردادها دارد.

الف- شرط وجه‌التزام شرط فعل مادی است؛

شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعل بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود. این فعل از حیث ظرف تحقق اعم است از مادی یا اعتباری(حقوقی)(شهیدی، ۱۳۸۶). تعیین قراردادی

خسارت نیز از حیث ماهیت یک نوع شرط فعل است که مفاد آن اجرای یک فعل مادی است: یعنی پرداخت مبلغی به عنوان جبران خسارت. شرط وجه‌التزام همانند سایر شروط فعل، قابل اسقاط است.

ب- وجه‌التزام ماهیتاً خسارت به شمار می‌رود؛

وجه‌التزام خسارتی است که طرفین پیشاپیش آن را تخمین زده‌اند. این بُعد از ماهیت وجه‌التزام به طور صریح در شقّ اول ماده ۲۳۰ ق.م تأکید شده است. ماده ۲۳۰ ق.م مقرر می‌دارد: اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید. همانطور که هویدا است مبلغ مندرج در ضمن عقد به عنوان وجه‌التزام ماهیتاً خسارت است و چهره جبران خسارتی دارد (عابدیان، ۱۳۸۵). خسارتی بودن وجه‌التزام در برابر جریمه (کیفر) انگاشتن تأسیس حقوقی مزبور قرار می‌گیرد چراکه در برخی نظام های حقوقی، به‌ویژه در رم قدیم، این شرط واقعاً جنبه کیفر داشته است چراکه به فرد بدهکار به دیده‌ی مجرم نگریسته می‌شد.

بند سوم - پیشینه تاریخی موضوع

مبنای تاریخی وجه‌التزام در فرانسه را باید در حقوق رُم و حقوق مسیحی جستجو کرد در حقوق رُم وجه‌التزام صرفاً جنبه تنبیهی متعهد را داشت. تعهد بدهکار به صورت شرطی گنجانیده می‌شد که به موجب آن هرگاه بدهکار به تعهد خود عمل نمی‌نمود می‌بایست مبلغی به عنوان جریمه پرداخت نماید. این شرط که به *stipulation poenae* مرسوم بود در مواردی به کار می‌رفت که الزام متعهد به انجام تعهدش قانوناً ممکن نبود شرط پرداخت وجه‌التزام در واقع تعهد اصلی بدهکار بود. خصیصه صرفاً تنبیهی شرط دو نتیجه داشت؛

اول: پرداخت وجه‌التزام در صورت عدم انجام تعهد. دوم: هرگاه میزان خسارات وارده بیش از وجه‌التزام بود متعهد باید آن را جبران می‌کرد. بعدها شرط تغییر یافت و بدهکار مکلف به انجام دو تعهد گردید: یکی تعهد اصلی و دیگری تعهد فرعی (پرداخت مبلغ وجه‌التزام) شرط هم جنبه تضمینی و هم جنبه تعیین مقطوع خسارت را داشت و متعهدله در انتخاب یکی از آن دو آزاد بود، در حقوق مسیحی در قرون وسطی این شرط برای فرار از قوانین مذهبی که رباخواری را ممنوع می‌کرد، بود.

پوتیه در کتاب تعهدات خود موضوع وجه‌التزام را عبارت می‌داند از جبران خسارت متعهدله از عدم انجام تعهد، به همین دلیل مبلغ آنرا قابل تغییر می‌داند. نویسندگان قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۱۵۲ ق.م برخلاف نظر پوتیه وجه‌التزام را غیرقابل تغییر اعلام نمودند. ماده ۲۳۰ ق.م ما نیز در واقع به تبعیت از ماده ۱۱۵۲ نوشته شده است ولی سوءاستفاده‌هایی که از این قانون به عمل آمد موجب شد تا در سال ۱۹۷۵ مبلغ

وجه التزام را قابل تعدیل اعلام نمایند.

در قرون وسطی در انگلستان یکی از روشهای تضمین اجرای قرارداد استفاده از ضمانت نامه پرداخت جریمه (Penal Bond) بود مبلغ ضمانت نامه رقم بالایی بود و یک وسیله قوی برای اجرای قرارداد، به علت گزاف بودن مبلغ، قضات اجرای آنرا برای متعهد ناعادلانه می دانستند. ضمانت نامه ها اگرچه بوسیله دادگاههای کامن لا مورد تأیید و حمایت قرار می گرفت ولی انصاف، اقامه دعوی به استناد چنین ضمانت نامه ای را منع می نمود و استدلال می کرد انصاف، استفاده از جریمه را در جایی که غرامت می تواند بکار گرفته شود مجاز نمی دارد. در ارتباط با اختلاف نظرهای موجود دادگاهها نهایتاً چنین نتیجه گرفتند که اجرای چنین شروطی در صورتی که مبلغ مندرج در آن تناسب معقولی با زیانهای احتمالی داشته باشد مجاز است و گرنه بی اعتبار تلقی گردید.

گفتار دوم - مفهوم تعدیل و بررسی انواع آن

در این گفتار به مفهوم تعدیل و انواع آن می پردازیم.

بند اول - مفهوم تعدیل

تعدیل در لغت عبارت است از برابر کردن چیزی با چیزی و راست کردن آن (ابن منظور، ۱۴۰۵). همچنین به معنای کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی به کار می رود (دهخدا، ۱۳۷۴). در اصطلاح حقوقی منظور از تعدیل قرارداد «اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است. این تغییر کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می گردد (مرادی، ۱۳۹۲). همچنین به معنای اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است که این تغییر، کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می شود (فخار طوسی، ۱۳۸۸). به بیان ساده تر در طول مدت اجرای قرارداد ممکن است بهای اجرای کارهای موضوع قرارداد دستخوش تغییرات گردند. موضوع تعدیل قراردادها به اعتبار وسیله انطباق مفاد آنها با ضرورت های اقتصادی و شرایط حادث به سه دسته تعدیل قراردادی، تعدیل قانونی و تعدیل قضایی تقسیم شده است، که در ادامه هر یک را مورد بررسی قرار می دهیم:

بند دوم - تعدیل قضایی

تعدیل قضایی عبارت است از اینکه قاضی به استناد حکم کلی در قانون یا با استنباط از قواعد فقهی یا فتاوی

معتبر فقها، در صورتی که تعهدات بین دوطرف عقد در اثر حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر نابرابر شده باشد، بتواند مفاد قرارداد منعقد شده بین متعاملین را بازبینی کند. تعدیل قضایی ناظر به موردی است که نه قانونگذار مطلبی را مطرح کرده و نه طرفین قرارداد در ضمن قرارداد پیش‌بینی کرده باشند و برای یکی از متعاهدین بسیار دشوار و غیرقابل اجراء و پرهزینه گردد که قاضی با توجه به اوضاع و احوال قرارداد، تعهدات قراردادی را به منظور تحقق تعادل و توازن اقتصادی تعدیل کند هرچند در امکان آن، گفتگو و تردید فراوان وجود دارد، میروکیلی (هاشمی، ۱۳۹۴). اگرچه که در قانون مدنی ایران از تبدیل تعهد تعریفی ارائه نشده است؛ لکن همچنان که در قلم اکثریت علمای حقوق آمده، تبدیل تعهد به معنای جایگزین ساختن تعهدی بجای تعهد دیگر است (امامی، ۱۳۸۴).

اگر قانونگذار نسبت به تعدیل قرارداد در صورت برهم خوردن شرایط عادلانه ساکت باشد و طرفین نیز نسبت به آن توافقی نکرده باشند یا پس از حدوث شرایط، توافقی حاصل نشود، بحث تعدیل قضایی به میان می‌آید. در اینجاست که باید بتوان عدالت معاوضی را که در طول زمان یا با تغییر اوضاع و احوال کم‌رنگ گشته است با شرایط جدید منطبق نمود. این عمل تعدیل قرارداد است و به اعتبار دخالت دادرس و در پی درخواست طرف متضرر، تعدیل قضایی نام دارد. تعدیل قضایی چهارچوب و ارکان عقد را مورد بازبینی قرار نمی‌دهد، بلکه اثر آن منطقیاً فقط مربوط به تعهدات قراردادی است؛ این شکل از تعدیل حائز این ویژگی هست که اگر به نظر قضایی مقام رسیدگی کننده، مطلوب را برآورده نساخت امکان استفاده از راههای دیگر، چون انحلال را در صورت وجود شرایط باز می‌گذارد.

در قراردادهایی که به قراردادهای مستمر معروف هستند و اجزای موضوع آن با اجزای زمان محقق می‌شود، گاهی مواقع بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی عوامل اقتصادی مانند تحریم، کاهش ارزش اسکناس و کمبود شدید لوازم اجرای کار موضوع قرارداد، بر آن اثر می‌گذارد و با اجرای قرارداد متعهد دچار عسر و حرج می‌شود، اگر طرفین تمهیدات لازم را برای متوازن ساختن مجدد تعهدات در متن قرارداد ذکر نکرده باشند و قانونگذار، اقدام به پیش‌بینی آن در قانون نکرده باشد، این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا قاضی می‌تواند به استناد شروط ضمنی عقد، حسن نیت یا هر قاعده دیگر، با هدف بازگرداندن توازن و تعادل مالی قرارداد، عقد را مورد بازنگری قرار دهد؟ اگرچه در نظام حقوقی ایران تعدیل قضایی قرارداد به عنوان یک قاعده عمومی در حقوق قراردادها مورد شناسایی قرار نگرفته است؛ اما به نظر می‌رسد اصول، مبانی و قواعدی چون نفی عسر و حرج وجود دارد که می‌تواند پذیرش تعدیل قضایی را توجیه نماید (گوهری و همکاران، ۱۳۹۳).

رویه‌ی قضایی، تعدیل مبتنی بر تجزیه وجه التزام را پذیرفته است و با تفسیر غالب نویسندگان حقوق مدنی همراه شده است در قراردادی میان سازمان چای و پیمانکار، شخص اخیر متعهد شده بود تا پایان سال،

اعیانی ۷ باب خانه‌ی روستایی را تخریب کند و عرصه‌ی آن را به سازمان چای تحویل دهد و إلا باید علاوه بر تحویل مورد معامله برای هر روز تأخیر مبلغ ۳۵۰۰ ریال به عنوان وجه‌التزام به سازمان چای(خریدار) بپردازد. شعبه ۱۷ دادگاه شهرستان تهران با احراز تأخیر خواننده در انجام تعهد اعلام نمود که اسناد تقدیمی دلالت دارد که تحویل مورد معامله طی فواصل زمانی متعدد در سال بعد از موعد تعهد انجام شده است، لذا چون اصل بر این است که در إزای هر روز تأخیر در تحویل هر یک از خانه‌ها خواننده باید مبلغ ۵۰۰ ریال بپردازد، دعوی خواهان در این حدود صحیح تشخیص داده می‌شود و دعوی زاید بر مبلغ فوق به علت عدم استحقاق وی محکوم به بطلان است(مقصودی، ۱۳۹۰).

بند سوم - تعدیل قراردادی

تعدیل قرارداد یعنی اگر در اثر حادثه پیش‌بینی نشده‌ای موقعیت قراردادی چنان برهم بخورد که اجرای آن ناممکن نشود اما این اجرا، متعهد را به دشواری افکند، و بتوان به طریق قانونی، قضایی و یا قراردادی مفاد آن را به شکلی متعادل ساخت تا این دشواری برطرف گردد و قرارداد منحل نشود. تعدیل قراردادی، ناظر به موردی است که متعاقدين بنا به پیش‌بینی و آینده‌نگری خود در ضمن قرارداد مبادرت به درج شرط تعدیل می‌کنند؛ این شروط به شروط تعدیل‌کننده شهرت دارند. برای لازم‌الاجرا بودن این شرط نیز می‌توان به اصل آزادی‌إراد و ماده ۱۰ قانون مدنی استناد کرد.

طبق ماده ۲۲۰ قانون مدنی، عقود، نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در عقد تصریح شده است ملزم می‌کند بلکه متعاملین به کلیه نتایجی که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون، از عقد حاصل می‌شود هم ملزم هستند تبیین این نتایج به عهده‌ی نظام حقوقی است. این امر(تبیین نتایج عرفی و قانونی عقد) را «تکمیل قرارداد» می‌نامند. به عنوان مثال ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه، انصاف را نیز از عوامل تکمیل‌کننده‌ی عقد شمرده است. فرق این مورد با تعدیل بسیار روشن است زیرا تکمیل قرارداد در حقیقت نوعی تفسیر عقد شمرده می‌شود در حالی که تعدیل، نظری به تفسیر قرارداد نداشته، هدف آن اصلاح و ایجاد تغییر متناسب در عقد است. طرفین قرارداد همانگونه که آن را منعقد می‌سازند، می‌توانند شرایط مورد نظر خود را نیز پیش‌بینی کنند و مادامی که این قرارداد و شروط با قواعد امری برخورد نداشته باشند، لازم‌الاجرا است. گاهی متعاقدين ترجیح می‌دهند که شرط به گونه‌ای باشد که پس از حدوث این شرایط باز سرنوشت قرارداد به إرادة مجدد وابسته شود یا به طور خودکار شرایط پیش‌بینی شده جریان یابد(خوئینی و همکاران، ۱۳۹۲).

بند چهارم - تعدیل قانونی

گاهی قانونگذار به طور مستقیم قرارداد را تعدیل می‌کند؛ یعنی با پیش‌بینی شرایط، قراردادی را که در این وضعیت قرار می‌گیرد، به اجبار متعادل می‌سازد. برخی اعتقاد دارند اجازه قانونگذار به قاضی برای تعدیل قرارداد، نوعی از تعدیل قانونی است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۷۹). اما به نظر می‌رسد اینکه مبنای اختیار قاضی، قانون است، نباید موجب شود که تعدیل مزبور، تعدیل قانونی تلقی شود.

بند پنجم - اقسام تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد به دو قسم توافقی و قانونی تقسیم می‌شود و قسم اول (توافقی) نیز خود به دو صورت کلی قابل تصور است:

۱. تعدیلی که در متن عقد مورد توافق قرار گرفته و پیش‌بینی می‌شود.

۲. تعدیلی که در متن عقد پیش‌بینی نشده ولی پس از عقد به استناد توافق طرفین انجام می‌پذیرد.

تعدیلی که در متن مورد توافق قرار می‌گیرد دارای دو صورت است:

الف) تعدیلی که مبنای آن مشخص است مانند آنکه در عقد اجاره پیش‌بینی کنند که در صورت وقوع فلان پیش‌آمد، بهای انجام کار اجیر از هزار تومان به پانصد تومان (کمتر از اجاره مقرر) یا دو هزار تومان (بیشتر از اجاره مقرر) تغییر یابد. در فرض مورد بحث، تعدیل قرارداد به صورت یک شرط در ضمن عقد قرار گرفته است. از این رو باید تعدیل را با توجه به شرط بودن آن، مورد بررسی قرارداد. این نکته مورد غفلت بسیاری از نویسندگانی قرار گرفته که در زمینه تعدیل قرارداد قلم زده‌اند. به عنوان مثال دکتر سنه‌پوری نویسنده کتاب پراج الوسیط، در جهت اثبات نفوذ این نوع تعدیل، استناد به توافق طرفین را پیش می‌کشد بدون اینکه سخنی از شرط ضمن عقد به میان آورد این تصریح (پیش‌بینی تعدیل در متن عقد) بر اعتبار قرارداد اصلاحی نمی‌افزاید، همچنان که سکوت در عقد نیز، از اعتبار آن نمی‌کاهد. همین که تراضی در باب تعدیل قرارداد شود کافی است.

ب) تعدیلی که مبنای آن مجهول است، مانند آنکه در مثال فوق، تنها بازنگری در قیمت انجام کار و تعدیل آن متناسب با شرایط جدید در صورت وقوع پیش‌آمد مورد نظر، پیش‌بینی گردیده بدون آنکه میزان تغییر معلوم گردد. در این صورت تعدیل قرارداد مفاد یک شرط مجهول است، چراکه اصلاح قرارداد در صورت بروز حادثه مورد نظر بدون آنکه مبنای تعدیل معلوم و مشخص باشد، شرط گردیده است (فخارطوسی، ۱۳۸۹).